



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۰۸ جولای ۲۰۲۱

نجیب سخی

پیش ات بشینم ، ریش ات بکنم!

این روایت بزرگان برعه ئی از قلم بدستان ما صدق میکند، که درد و رنج جامعه ما را بآب و تاب شرح میکنند؛ اما بزبان مردم ما نمی نویسند. اصطلاحات، کلمات و جملاتی را بکار میبرند، که در حدود زبان ملت ما شامل نیستند، یعنی در همان لحظه ئیکه در مورد استقلال سیاسی، آزادی و دموکراسی برای ما صحبت میکنند؛ اما خود با طرز تحریرشان؛ باستعمال کلمات، لغات و اصطلاحات ساخت ایران؛ استقلال فرهنگی ملت ما را نقض میکنند!!

یا کسانیکه جملات بدون ردیف، قافیه و مخصوصاً وزن را شعر میخوانند. در حقیقت زخمهای ملت ما را با پارچهای چرکین و گل آلود پاک و مرهمت میکنند؛ علاوه براینکه زخمها را علاج نمیتوانند؛ ملت را بدرد دیگری نیز مبتلا میسازند؛ زیرا ستون فقرات پارسی دری، یعنی علم هزار و دوصدساله عروض را مانند ایرانیها نفی میکنند. باین ترتیب به پیش ملت می نشینند و ریش او را می کنند. بعبارة دیگر درد هایش را شرح و بیان میکنند؛ اما بر استقلال فرهنگی اش تعرض و تجاوز روا میدارند.

درین هفته من شعاری درشتی دیدم در سایت محترم استقلال باین متن «همیشه سکوت نشانه تایید طرف». من هر قدر کوشش کردم این کلمه «تایید» را طوریکه نوشته شده بود نتوانستم تلفظ کنم. باین نتیجه رسیدم که نویسنده مقصدش کلمه «تائید» است؛ زیرا در صورتی کاین کلمه (تایید) نوشته شود؛ چهار حرف ساکن پیوسته و پی هم بکار میرود، یعنی ت مفتوح، الف هردوی و دال ساکن هستند. چهار حرف متواتر ساکن در زبان ما اصلاً امکان تلفظش وجود ندارد. در حقیقت این کلمه رسم شده، و نه؛ نوشته!، یعنی بزبان چیزی گفته شده و بدست چیز دیگری نوشته شده است.

دانشمند دیگری زبان تقریر را تحت الفظی تحریر میکند! مانند «کدم، ششتم، میتم و ...». اکثرأ شعله ئی های سابق این ابتکار را بخرچ میدهند؛ زیرا تصور میکنند بزبان مردم نوشته اند!!

این ها تا کنون ندانسته اند هرگاه زبان تقریر را، راست و بی عیب بیان کنیم ، زبان تحریر است؛ چنانچه مردم میگویند: « بلفظ قلم گپ میزند ».

هرگاه زبان تحریر را سهل ، بلا تکلف و سریع ادا نمائیم؛ زبان تقریر است. باید قبل از گرفتن قلم بدست این فراست را داشته باشیم، که «کدم» را اگر بخواهیم بنویسیم ، یعنی آنرا در قید قلم بیاوریم ؛ قهراً و جبراً باید «کردم» نوشته شود؛ زیرا کدم در ادب هزار و دوصد ساله پارسی دری بصورت تاریخی کردم نوشته شده !! یا شیشتم، یعنی نشستم و ...؛ زیرا این کلمات در بخش تقریری و تحریری عین توانائی آوازی را دارند؛ زیرا کدم و کردم هر دو دو هجائی هستند و یا شیشتم و نشستم سه هجائی هستند و ... چون در تقریر زبانرا هرکس نظر به سهولت محیطی اش ادا میکند، یعنی کلمه بطور عاجل اجرا می شود؛ لہذا هر حرفی که در آن بندش تلفظی کمتر باشد آنرا بکار میبرند؛ مثلاً جامی بلهجه هراتی صحبت میکرد؛ اما یک سطر نثر و یک مصرع نظم جامی بلهجه هراتی گفته و نوشته نشده و یا سنائی پارسی غزنیچی می گفت؛ اما وقتیکه نوشتند همان زبان هراتی یا غزنی را، راست و بی عیب نوشتند؛ چون آن ها حرف و آواز حرف را میشناختند.

بدبختانه دانشمندانیکه لهجه تقریر را تحت الفظی تحریر میکنند به توانائی آوازی و هجائی زبان خود؛ تسلط نه؛ بلکه گاهی حتی آشنائی هم ندارند؛ حروف را جدا از آواز و حرکت آن مانند ایرانیها آموخته اند و تصور میکنند که ما هم مانند ایرانیها دو زبانه هستیم!

من اینجا به تاکید و تأیید بیان میکنم، که ایرانیها بفارسی شیرازی صحبت میکنند و بیارسی دری مینویسند. پارسی دری را کز بیرون وارد کرده اند، آنرا زبان ادبی و رسمی میخوانند و زبان فارسی شیرازی که زبان اصلی قسمتی از ایرانست آنرا غیر ادبی و غیر رسمی مینامند؛ مانند داستانهای صادق هدایت، یکی بود یکی نبود علی اکبر دهخدا و ...

من بدین دانشمندان تذکار میدهم؛ خدمت بزرگی که علی اکبر دهخدا انجام داده؛ نه لغتنامه اش است؛ بلکه خدمت بزرگ او در ایران خلط و اتصال فارسی شیرازی بیارسی دری است. از اینجاست که روشن فکر ما پارسی دری را مانند ایرانی ها مینویسد و با بکار بردن کلمات ترکی، پهلوی، آذری و ... خود را دانشمند و وارسته تصور میکند.

اینرا باید بدانیم که زبان ما پارسی دری واحد و یگانه هست، کز دو بخش گفتاری و تحریری تشکیل شده است، کاین دویخش را باتمام زبانهای معتبر دنیا مشترک دارد.

هر زبانیکه در روی زمین وجود دارد از همین دو قسمت با حفظ استثناهات و احسانات هریک

تشکیل شده است؛ اما در ایران چنین نیست؛ زیرا زبان درین کشور سیر طبیعی نداشته. آنها زبان پارسی دری هند را بکمک انگلیس در نیمه دوم قرن نوزدهم تصاحب نمودند و آنرا زبان ادبی و رسمی قبول کردند و زبان محاوره شان؛ فارسی شیرازی کز زبان های فارسی، ترکی، پهلوی، آذری و ... بوجود آمده آنرا زبان غیر رسمی و غیر ادبی خواندند؛ کاین برخورد پروسه تحول زبانانرا از سیر تکامل طبیعی جامعه انسانی بیرون انداخته است؛ چنانچه پرویز ناتل خانلری زبانشناس ایرانی، آستان بوس فرهنگستان ایران؛ در کتاب زبانشناسی اش زبانهای ایران را، زبان «یأجوج ومأجوج» میخواند و همین شخص زبان فارسی شیرازی را زبان غیر رسمی و پارسی دری را زبان رسمی و ادبی ایران معاصر تقسیم و تائید میکند.

در کشور ایران با دو زبان جداگانه طرف هستیم و نه با دو بخش طبیعی زبان جامعه انسانی، یعنی زبان تحریر و تقریر؛ لهذا زبان ما را نباید با فارسی ایرانی مقایسه کنید و یا با تقلید از آن ها در زبان ما نباید زبانه خلق کنید. قبل از اینکه بنویسیم اول باید بیاموزیم؛ زیرا این زبان امانت اجدادی ماست و نباید آنرا از رخ جهل، سفاقت و ذهنیگری از عقب خنجر بزنیم.

انتهی

یادداشت استقلال – خیلواکی: هموطن گرانقدر و موشگاف محترم "نجیب سخی" از اینکه با اندکی معطلی این یادداشت خدمت تقدیم می شود معذرت ما را بپذیرید. علت آن جست و جو و یافتن نکته مورد نظر شما بود. آن شعار مورد نظر شما از سایت حذف شد چون اصلاح آن امکان پذیر نبود و از انترنت کاپی شده بود. متوجه آن اشتباه بودیم، اما هدف و مرام و مقصد ما از متن آن نقل قول بود و از اشتباه املائی آن چشم پوشی شده بود. این نوع شعارها و سخنان بزرگان و یا هم اشعار را بصورت عموم ایرانی ها می نویسند و در انترنت فراوان اند، اما اکثراً اشتباهات املائی دارند، افغانها با تأسف به این نوع کارها و نوع آوری ها کمتر خود را زحمت میدهند. موفق باشید